

پیشگیری از جرم : از آموزه های جرم شناختی تا قانون گذاری جرم شناختی (به مناسبت بررسی لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم)

علی حسین نجفی ابرند آبادی^۱

۱. درآمد

پیش از ورود به بحث تحلیل مفاد لایحه، مایلم از برگزار کنندگان و دست اندکاران همایش ملی پیشگیری از جرم مشهد، بویژه دادگستری استان خراسان رضوی صمیمانه تشکر کنم. امیدوارم همایش مشهد، به مانند همایش ملی پیشگیری از جرم تهران که در اسفند ۱۳۸۷ از سوی نیروی انتظامی برگزار شد، پُربار و نتایج آن افزون بر دانشگاهیان، برای متولیان سیاست جنایی- بویژه قانونگذار که هم اکنون در مقام بررسی و تصویب لایحه پیشگیری از وقوع جرم است- مفید و راهگشا واقع شود.

با توجه به طبع میزگرد و تقسیم کاری که بین اعضای آن صورت گرفته و با عنایت به وقت کمی که در برنامه افتتاحیه ی همایش به این میزگرد اختصاص داده شده است، سعی می کنم ابتدا رویکرد کلی جرم شناسی به پیشگیری و تعاریف مختلف پیشگیری از جرم را به عنوان مبانی نظری لایحه مورد بررسی قرار دهم و سپس بخش هایی از لایحه را نقد کرده، همزمان پیشنهاد های اصلاحی مورد نظر را مطرح نمایم.

این لایحه در حقیقت در اجرای یک اصل از قانون اساسی، یعنی بند ۵ اصل ۱۵۶، تنظیم و تدوین شده است. با دقت در این بند، «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین»، در می یابیم که جرم شناسی، یافته ها و شاخه های کاربردی آن به نوعی مورد توجه موسسان و خبرگان قانون اساسی قرار گرفته است. بنابراین، برای درک صحیح مفاد و پیام این بند و عملیاتی کردن آن، ناگزیر از رجوع به جرم شناسی و رشته های مرتبط با آن هستیم. می توانیم به جرات بگوییم که این بند به آموزش و پژوهش جرم شناسی در ایران مبنای حقوقی و الزامی می دهد و همزمان به جنبه های کاربردی آن، یعنی دست کم به جرم شناسی پیشگیری و جرم شناسی بالینی، مشروعیت و وجاهت نظری- عملی می بخشد. بدین ترتیب، چه خوب است، آموزش جرم شناسی، به طور کلی در دوره های کارآموزی قضاؤت و حتی وکالت مورد توجه قوه قضائیه و

۱- استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی



کانون و کلا قرار گیرد. اگر بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی مبانی و ضرورت سرکوبی کیفری و حقوق کیفری را در ایران بنا می گذارد، بند ۵ این اصل، در واقع مبانی و لزوم پیشگیری از جرم، پیشگیری از تکرار جرم و به طور کلی جرم شناسی را مطرح و به متولیان مقابله با جرم تکلیف می نماید.

با تکیه بر بند های ۴ و ۵ این اصل، به حق می توان گفت که موسسان قانون اساسی، سیاست جنایی ایران را در مفهوم موسع آن، یعنی سرکوبی و پیشگیری، متصور شده اند. بدین ترتیب، همانطور که ضرورت حضور و مطالعات حقوقدان کیفری در پرتو بند ۴ موضوعیت نظری و عملی پیدا می کند، جرم شناس متخصص پیشگیری و جرم شناس متخصص پیشگیری از تکرار جرم نیز ضرورت و مشروعيت حضور و لزوم تحقیقات خود را در پرتو بند ۵ در جامعه کسب می کند. قسمت اول بند ۵، یعنی «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم»، در حقیقت مبنای کار و مطالعات تهیه کنندگان لایحه پیشگیری از وقوع جرم بوده است. باید دید مبنای نظری این قسمت چیست.

۲. پیشگیری از جرم در جرم شناسی

امروزه، جرم شناسی، به طور کلی، از دو دیدگاه انسان مجرم را مطالعه می کند. به موجب دیدگاه اول، انسان ذاتاً خوب است ولی در بستر محیط و جامعه و در جریان جامعه پذیر و اجتماعی شدن تغییر می کند. جرم شناسان طرفدار دیدگاه نخست، درحقیقت انسان را محصول تعامل خصوصیات ذاتی و اجتماعی فرد می دانند. بنابراین، بزهکار شخصی است که در دوران رشد جسمانی و روانی خود در بسترها خانواده، مدرسه، اشتغال و کار و اوقات فراغت و... قربانی یک سلسله بی توجهی ها، کمبود ها و محرومیت های مادی، معنوی و عاطفی شده است؛ مجرم محصول علل فردی (بیماری های ژنتیکی- روانی- جسمانی و...) و علل اجتماعی (طلاق، فقر، بیکاری و...) است. لذا کافی است با مبارزه علیه چنین علی و رفع آنها، از ارتکاب جرم به عنوان معلول، پیشگیری کرد. در اجرای چنین رویکردی است که راهبرد پیشگیری اجتماعی مشروعيت علمی- کاربردی خود را پیدا می کند. این گونه پیشگیری در واقع «آموزش و پرورش» محور است. برایه دیدگاه نخست: بزهکار با غیر بزهکاران متفاوت است، در مجرمیت خود سهم زیادی ندارد و بیشتر قربانی محیط های اجتماعی شخصی (مانند خانواده، مدرسه، دوستان، رسانه ها، اقتصاد و....) و محیط های اجتماعی عمومی (سیاست های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکمیت) می باشد. رویکرد بالینی به جرم و مجرم نیز که به دنبال اصلاح بزهکار و پیشگیری از تکرار جرم است، در همین چارچوب قابل بررسی است.

دیدگاه دوم که امروزه، به ویژه در کشور های انگلوساکسون، طرفداران علمی و سیاسی بیشتری دارد، انسان مجرم را مانند بقیه اعضای جامعه می داند، وی را فردی مسئول، حسابگر، عقلانی و صاحب برنامه و استراتژی تصور می کند. بزهکار در این دیدگاه فردی فرصت طلب و موقعیت سنج است که به دنبال کسب لذت و سود زیاد، فعالیت مجرمانه را پیشه خود کرده است. این دیدگاه که امروزه ذیل عنوان «جرائم شناسی عمل مجرمانه» یا «نظریه های عقلانیت محور جرم شناختی» مطرح می شود، گزینه جرم را برای بزهکاران، تابع آماج مجرمانه در این دیدگاه را همراه (استراتژی) مجرمانه خود را بر اساس حالت، رفتار، گفتار و موقعیت جرم یا بزه دیده نیز می داند. بزهکار راهبرد (استراتژی) مجرمانه خود را بر اساس حالت، رفتار، گفتار و موقعیت اجتماعی بزه دیده یا موقعیت و وضعیتی که آماج مطلوب مجرم در آن قرار دارد، ترسیم و به اجرا می گذارد.

راهبرد جرم شناختی مقابله با بزهکاری در این دیدگاه بیشتر «حفظاًت مدار - بازدارنده محور» است. تدبیر پیشگیرانه در این چارچوب باید فرصت های جرم را از افراد مخصوص به ورود به فعالیت های مجرمانه بگیرند. آنچه امروزه به عنوان «پیشگیری وضعی - فنی» از جرم مشهور است و بویژه با توصل به فناوری های جدید اطلاعات و ارتباطات از سوی نهاد های دولتی، غیر دولتی و مردم به اجرا گذاشته می شود، در حقیقت، از یک سو به دنبال تقویت حفاظت و دفاع از بزه دیده و آماج های بالقوه جرم است و از سوی دیگر، در مقام به هم زدن معادله جرم به ضرر بزهکار است، چنانکه وی از تصمیم ارتکاب آن جرم یا تعرض به آن بزه دیده - آماج منصرف شود.

بدین سان، پیشگیری اجتماعی به فرایند تربیت و رشد انسان تکیه می کند و بنابراین راهبرد نسبتاً زمان بُری برای پیشگیری از جرم ترسیم می کند. ولی پیشگیری وضعی که در مقام حذف فرصت های مجرمانه است، راهبرد زودبازده پیشگیری را ترسیم میکند. این گونه پیشگیری، اگرچه تاثیری موقت و مُسکن گونه بر کاهش جرم، انصاف، شناسایی و یا دستگیری بزهکار دارد، ولی کارنامه و میزان کارایی آن در کوتاه مدت مشخص می شود.

۳. تعاریف پیشگیری از جرم

پیشگیری در نوشتگان جرم شناسی دارای تعاریف زیادی است. به تعبیر استاد گسن، جرم شناس فرانسوی، به تعداد جرم شناسان متخصص پیشگیری، تعریف وجود دارد. ما در اینجا بعضی از آنها را مطرح و بررسی می کنیم.

استاد لورنس شرمن، جرم شناس آمریکایی، در سال ۱۹۹۷- معتقد است که هر اقدام یا تدبیری که منجر



به حذف یا دست کم، کاهش جرم مورد نظر ما شود، جنبه پیشگیرانه دارد و نوعی پیشگیری از جرم است، چه اقدام اتخاذی، کیفری باشد یا غیر کیفری. بدین ترتیب، استاد شرمن با یک نگاه واقع گرایانه، پیش گیری جرم شناختی (غیر کیفری) و پیشگیری کیفری (پیشگیری های عام و خاص از جرم) را در کنار هم در فصل پیشگیری از جرم قرار داده و مطالعه می کند.

شبکه اروپایی پیشگیری از بزهکاری وابسته به اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۰۱، در مقام تعریف از پیشگیری معتقد است که: پیشگیری شامل کلیه تدابیر و اقدام های کیفی و کمی می شود که هدفشان کاهش جرم و احساس ناامنی شهروندان است، چه این اقدام ها مستقیماً با هدف تضعیف تمایلات مجرمانه و انصراف از ارتکاب جرم و چه از گذر سیاست ها و مداخلات مختلف، با هدف کاهش و یا حذف عوامل جرم زا و علل بزهکاری اتخاذ و اعمال شود. این تعریف نیز موضع است و قلمرو گسترده ای از تدابیر را شامل می شود که مجازات ها ممکن است یکی از آنها باشد.

استاد کوئن، جرم شناس کانادایی، در سال ۲۰۰۹، پیشگیری را شامل مجموعه اقدام ها و تدابیر سنجدیده و مطالعه شده غیر قهرآمیز می داند که نسبت به علل جرم و مقدمات ارتکاب جرم، با هدف کاهش احتمال جرم یا شدت و وحامت آن، اعمال می شود. استاد کوئن با این تعریف در واقع به پیشگیری غیر کیفری، یعنی مفهوم مضيق پیشگیری (پیشگیری جرم شناختی که به شرحی که در قسمت نخست بحث مطرح شد)، توجه کرده است.

در ادامه روی کرد استاد کوئن به پیشگیری، استاد گسن معتقد است که پیشگیری از بزهکاری دارای سه معیار عمده است:- هدف اصلی اقدام و تدابیر اتخاذی تاثیر گذاری بر یکی از عوامل یا فرایند های بزهکاری است؛- اقدام و تدابیر اتخاذ شده جنبه عمومی- جمعی دارند؛- اقدام یا تدابیر پیش گفته، غیر قهر آمیز اند. بدین ترتیب، پیشگیری کیفری از پیشگیری جرم شناختی جدا می شود.^۲

بدین سان، پیشگیری در معنای واقعی و مضيق آن همان «پیشگیری های معمول در جرم شناسی است» که عمدتاً در دو گونه‌ی «پیشگیری اجتماعی» (آموزش و پرورش محور) و «پیشگیری وضعی- فنی» (پیشگیری حفاظت- بازدارنده مدار) مطالعه و به صورت موردنی نسبت به یک جرم خاص و یا کلی، نسبت به بزهکاری، اغلب به شکل ترکیبی اعمال می شود. بدین سان، پیشبرد همزمان دو گونه اقدام های پیشگیرنده به صورت تلفیقی می تواند کارایی خود را نشان دهد.

2- Cf. Bousquet, R, Lenoir, E, la prévention de la délinquance ,PUF, 2009, pp16-17

زیرا، از یک سو همه بزهکاران، قربانی محرومیت و کمبود های تربیتی، عاطفی، مادی و مشکلات روانی نیستند و از سوی دیگر، معقول و فرصت طلب شمردن همه مجرمان با واقعیت بزهکاری منطبق نیست. به هر حال، عبرت آموزی ناشی از عدالت کیفری در بحث پیشگیری مورد نظر ما، یعنی پیشگیری جرم شناختی، قرار نمی گیرد. البته همینجا پیشنهاد می شود که قوه قضائیه به مباشرت یکی از دادگستری های کل، «پیشگیری کیفری از بزهکاری» را موضوع یک همایش ملی قرار دهد تا محدوده، ابعاد، کنش گران، متولیان و ماهیت این گونه پیشگیری نیز به صورت علمی به نوبه خود بررسی شود.

۴. لایحه پیشگیری از وقوع جرم

لایحه پیشگیری از وقوع جرم که موضوع بررسی این میزگرد است دارای نه ماده می باشد که در ماده یک آن سعی شده است پیشگیری تعریف شود.

به موجب این تعریف، پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از «پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن».

در این تعریف بهتر است به جای "ارزیابی خطر وقوع جرم" "علل و عوامل ارتکاب جرم" جایگزین شود، زیرا بنظر می رسد ارزیابی خطر در ادبیات جرم شناختی امروز بیشتر ناظر به نظریه و سیاست مدیریت ریسک جرم و تکرار جرم از گذر کیفر و اقدامات پیشگیرانه وضعی است. به موجب نظریه مدیریت ریسک جرم، هر اندازه میزان و ماهیت خطر ارتکاب جرم اولیه و یا تکرار جرم در فرد یا در موقعیت خاص بالا باشد، به همان میزان باید تصمیمات عدالت کیفری، یعنی قرار های تامین، احکام دادگاهها و چگونگی اجرای مجازات ها و نیز اقدام های وضعی پیشگیرنده، شدید تر و سخت گیرانه تر و هدفمند تر اتخاذ و معمول گردد. آنابراین، تعبیر ارزیابی خطر وقوع جرم ممکن است به هنگام تفسیر این ماده و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، مجریان و سیاست گذاران را به سمت مدیریت ریسک جرم، یعنی پیشگیری کیفری و پیشگیری وضعی و فنی - که از گونه های جرم شناسی پیشگیرانه است، ولی وجوده تشابه قابل توجهی با پیشگیری کیفری دارد - سوق دهد.

همانطور که در توصیف و تعریف جرایم، در حقوق کیفری اختصاصی، توصیه می شود که تعریف دو پهلو، کش دار و موضع نباشد، چنانکه برای قاضی، وکیل و بویژه تابعان حقوق کیفری ابهامی ایجاد نکند و موجب سوء تعبیر و استفاده ای احتمالی «شاکی - دادستان - قاضی محاکمه» واقع نشود، تعریف پیشگیری از جرم نیز باید

. ۱۳۸۸- در این خصوص ر.ک: پاکنهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک مدار، نشر میزان.



تا آنجا که ممکن است، فنی، عام و کلی باشد، چنانکه در مقام تفسیر، آن تعریف مناسب به یک مکتب یا نحله فکری خاص در جرم شناسی نگردد. لذا پیشنهاد می‌شود ماده ۱ به این شرح اصلاح شود: پیشگیری از جرم شامل مطالعه و شناسایی عوامل و علل ارتکاب جرم و اتخاذ و اعمال تدابیر و اقدام‌های غیر قهرآمیز مناسب، به منظور حذف و یا کاهش آن می‌شود".

ماده ۲ با عبارت «در اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶.... آغاز می‌شود. با توجه به توضیحات پیش گفته مبنی بر اینکه، لایحه در حقیقت در مقام ضابطه مندو عملیاتی کردن قسمت نخست بند ۵ می‌باشد، بهتر است عبارت آغازین ماده ۲ به این شرح اصلاح شود تا در مقام تفسیر و اعمال ابهامی ایجاد ننماید: «در اجرای قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶ یعنی اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم...»

در مورد ترکیب اعضای شورای عالی پیشگیری از جرم، موضوع ماده ۲ لایحه، توصیه می‌شود این نهادها و سازمانها به اعضای شورا اضافه شوند: وزیر مسکن و شهرسازی، شهردار تهران، رئیس کمیته امداد؛ زیرا این اشخاص نیز می‌توانند، چه در زمینه پیشگیری اجتماعی و چه در جمله طراحی شهری و معماری عاری از جرم و وضعیت اجتماعی مردم، اطلاعات و تجربه‌های خود را به شورا منتقل نمایند و یا در اجرای طرح پژوهشی یا طرح‌های پیشگیری از یک جرم خاص در مرحله علت شناسی و تنظیم راهکارها کمک نمایند. به طور کلی، بهتر است اعضاء کشوری شورا تقویت شوند.

سرانجام باید به ماده ۳ که وظایف شورای عالی پیشگیری از جرم را احصا می‌کند، پرداخت. در تبصره ۱ این ماده، مقرر شده است «مصطفوبه‌های این شورا در حوزه وظایف قوه قضائیه توسط رئیس قوه قضائیه و در حوزه وظایف قوه مجریه توسط رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. این مصوبه پس از ابلاغ برای تمامی نهادها و سازمانها در حدود وظایف قانونی آنان لازم الاجراست.»

با توجه به اینکه در امر پیشگیری از جرم نیز حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان موضوعیت پیدا می‌کند و بنابراین در چارچوب اقدامات پیشگیرانه، از جمله و بویژه پیشگیری وضعی یا پیشگیری رشد مدار، این حقوق و آزادی‌های تواند در معرض تحديد و حتی تهدید قرار گیرد، بهتر است مصوبات شورا، آن گاه که به نوعی متعرض این حقوق می‌شود، به صورت لایحه به مجلس جهت تصویب قانونی ارائه گردد، به طوری که محدودیت‌های احتمالی و راهکارهای پیشگیرانه‌ای که می‌تواند رفت و آمد، خلوت و زندگی خصوصی شهروندان را در معرض تهدید قرار دهد، با نظر و تصویب نمایندگان آنان در مجلس صورت گیرد. به دیگر سخن، همانطور که امروزه آین دادرسی کیفری، مقید به رعایت حقوق متهم و حقوق و مطالبات

بزه دیده در چارچوب دو مفهوم «دادرسی عادلانه» و «رفتار عادلانه»(منصفانه) شده است، پیشگیری از ارتکاب جرم نیز باید مقید به احترام به حقوق شهروندی اعضای جامعه متصرور و اعمال شود. به عبارت دیگر، پیشگیری از جرم، اگر چه یک مقوله جرم شناختی است، ولی چون با حقوق و آزادی ها و کرامت انسان ها سروکار دارد، باید همچون سرکوبی کیفری، از نظر اصول حقوق اساسی و موازین حقوق بشر، ضابطه مند و مقید شود. بنابراین، پیشنهاد می شود، تبصره ۱ پیش گفته بازبینی شود. ناگفته پیداست که چنان چه شورا تصمیم به انجام یک طرح پژوهشی درباره بزهکاری یا بررسی چگونگی بهبود نحوه جمع آوری آمار جرائم و ارتقاء کیفیت آمار جنایی بگیرد و، دیگر نیازی به اطلاع و تصویب مجلس ندارد و به عنوان مصوبه شورا قابل اجراست. به عنوان نمونه، طرح نصب دوربین در مکان های عمومی و خیابان ها و کیفیت نظارت ویدئویی با هدف پیشگیری از جرم؛ بی تردید، باید به تصویب نمایندگان مجلس برسد.

۵. البته در لایحه، نکات دیگری نیز برای نقد و پیشنهاد اصلاحی وجود دارد که اعضای محترم دیگر میزگرد به آنها خواهند پرداخت. از توجه حاضران محترم سپاسگزاری می کنم. در بخش پرسش و پاسخ آمده ارائه توضیحات تکمیلی هستم.

۴- در این مورد ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸: ص. ۵۵۹ و بعد؛ ابراهیمی، شهرام، پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.